

عنوان اثر: درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی
مؤلف / مترجم: حسین ابوالحسن تنهایی
ناشر / سال نشر: نشر مردییز / ۱۳۸۳ چاپ پنجم اثر (اول ناشر)

معرفی، نقد و بررسی

کتاب در سه بخش، نه پاره و بیست و پنج فصل تنظیم شده است. بخش نخست، به مفاهیم و مقدمات نظری، چگونگی ساخت نظریه و بررسی معیارهای دسته‌بندی مکاتب و نظریه‌ها اختصاص یافته که این طبقه‌بندی بر اساس نظریه هربرت بلومر انجام شده است. در بخش دوم، مکاتب عوامل‌گرا و در بخش سوم، مکاتب تفسیرگرا بررسی شده‌اند. نوعی خط واحد فکری از آغاز تا انجام کتاب دیده می‌شود که همه فصول، بخش‌ها و مطالب را نه تنها به هم پیوند داده، بلکه در خدمت اهدافی واحد قرار می‌دهد. همواره در بررسی اندیشه، به تئوری‌ها و مکاتب مورد بحث، وجوه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، انسان‌شناختی و دو بخش پویاشناسی و ایستاشناسی با تأکید بر عنصر تضاد، جدل یا دیالکتیک و ترجیح بیش تفهمی - تفسیری و نوعی جامعه‌شناسی مثبت‌گرا، تبیینی و علت‌گرا توجه شده است. سایر آثار مشابه:

جورج ریتزر/مخسن ثلاثی
غلام‌عباس توسلی

نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر
نظریه‌های جامعه‌شناسی

بررسی شکلی

عموماً متن روان و نسبتاً رسا به نظر می‌آید، اما، در مواردی، شیوه خاص نگارش نویسنده که آمیزه‌ای از ادبیات جامعه‌شناسی و گرایش‌های عرفانی است، همچنین تلاش وی برای کاربرد واژه‌ها و تعابیر فارسی شده به شکلی ادبی و گاه نامتداول، تقریرات نویسنده در کلاس درس و استفاده از جمله‌های عربی، موجب ابهام و کاستن از رسایی و روانی متن می‌شود.

صفحه ۳۵، پاراگراف اول، سطر سوم: «در واقع کار جامعه‌شناس تازه از اینجاست که شروع می‌شود...»

صفحه ۳۵، پاراگراف دوم، سطر آخر: «آنگاه است که به یک نظام فکری رسیده است که همان نظریه جامعه‌شناسی است»

صفحه ۳۴۷، پاراگراف اول، سطر اول: «از مهم‌ترین نکات مورد تأکید هوسرل تفاوت میان فرایند فکر کردن و گام بازنگرانه کنش کردن است»

صفحه ۳۵۴، پاراگراف اول، سطر آخر: «این رابطه متقابل در هوسرل رابطه میان کنش نیت‌مند و هدف نیت‌شده تعریف شد».

صفحه ۳۵۵، پاراگراف آخر: مبهم است.

صفحه ۴۵۲، پاراگراف دوم، سطر اول: «از نظر بلومر، این جهان است که برای بشر موجود است و نه عکس آن»

صفحه ۳۴۷، سطر دوم: استفاده از کلمه عربی «ثالث»

صفحه ۵۵۱، پاراگراف اول: «اکمال متقابل اولین ... مطرح نمی‌شود». متن حالت گفتاری دارد که پیداست از تقریرات درس نویسنده است.

صفحه ۶۴۲، پاراگراف اول: نمونه‌ای از نثر خاص نویسنده است که جنبه ادبی دارد.

علیرغم اینکه اثر مورد بررسی چاپ پنجم می‌باشد و به گفته نویسنده برخی از اشکالات چاپی آن اصلاح شده است (در چاپ دوم)، اما هنوز اشکالات فراوانی در زمینه استفاده همزمان از علامت «،» یا «.» و حرف عطف «و»؛ عدم استفاده از علامت «،» در مواقع لازم؛ غلط حروف نگاری؛ استفاده از فعل مشابه در یک جمله با فاصله‌ای اندک؛ عدم رعایت فاصله مناسب بین کلمات؛ کاربرد

درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی ۱۱۹

«را» بعد از فعل و کاربرد کلماتی که از نظر ساختاری (شکلی یا صرفی) محل اشکال هستند، دیده می‌شود.

نمونه‌ای از کاربرد علامت «،» و «.» و حرف عطف «و»:

پیشگفتار چاپ دوم؛ پاراگراف آخر، سطر دوم و سوم: «تضادی، و «؛
«پرداخته‌ایم، و»؛ «آورده، و «

صفحه ۳۴۵، سطر بیست و سوم: «به‌وجود آورده، و «

صفحه ۳۵۴، پاراگراف اول، سطر چهارم: «می‌باشد، و «؛ سطر پنجم:

«می‌نشانند، و»؛ پاراگراف دوم، سطر دوم و سوم: «مردم، و «

استفاده از فعل یا کلمه مشابه در یک جمله با فاصله‌ای اندک

صفحه ۳۵، پاراگراف اول، سطر هفتم: «برای بقا ناگزیر است از پاسخ به نیاز

اعضای خود است»

صفحه ۳۵۴، پاراگراف دوم، سطر اول، دوم و سوم: «.. بر مبنای روابط میان

ذهنی استوار می‌داند: یعنی چگونه روابط میان مردم، و یا کنش میان مردمی بر

اساس فهم و نیت مردم، و درکی که مردم از نیت و اهداف ... «

کاربرد «را» بعد از فعل

صفحه ۶۴۲، پاراگراف اول، سطر آخر: «... گسترش خواهیم داد را تحت عنوان

...»؛ پاراگراف دوم، سطر یکی مانده به آخر: «... از نوع تشیع عرفانی هست، را

مقدمتاً ...».

کاربرد کلماتی که از نظر ساختاری (شکلی یا صرفی) اشکال دارند

صفحه دوم پیشگفتار، پاراگراف آخر، سطر اول: «مباحث مهم اندیشگی هر

مکتب»

صفحه‌آرایی کتاب خوب و مناسب است. اصول مربوط به سرصفحه و

تفاوت فونت کلمات در تیترها، متن اصلی، پاورقی و ... رعایت شده است. اما

اندازه حاشیه‌ها و اندازه قلم در نظر گرفته شده برای متن کتاب کم است که

احتمالاً این کار به نویسنده و ناشر کمک کرده است تا کتاب دو جلدی را در یک

جلد به چاپ برسانند. برای پیشگفتار و ابتدا و انتهای اکثر فصول شماره صفحه

درج نشده است. اسامی و معادل‌های کلمات لاتین در پانویست صفحات ذکر

شده‌اند. صحافی کتاب با توجه به حجم آن خوب است و نوع کاغذ استفاده شده، مرغوب می‌باشد. اگر چه، پشت جلد، عکس سه تن از جامعه‌شناسان (مارکس، کنت و وبر) آمده است، اما به طور کلی طرح روی جلد، چندان مناسب نبوده و با عنوان کتاب همخوانی ندارد.

صرف نظر از محتوا، حجم کتاب برای یک درس ۲ واحدی یا ۳ واحدی «نظریه‌های جامعه‌شناسی» (۷۲۸ صفحه) خیلی زیاد است و در عین حال، برای یک دوره ۵ یا ۶ واحدی، به خصوص در مقطع کارشناسی، در عین زیاد بودن حجم، از حیث محتوایی ناقص و از حیث جهت‌گیری‌های نویسنده به دلیل سوگیری‌های نویسنده به عنوان منبع اصلی درس، نامناسب است.

اثر مورد بررسی چاپ پنجم است که برای اولین بار در یک جلد نشر بامشاد به چاپ رسانده است. به عبارت دیگر، کتاب در چاپ‌های قبلی (نشر مردییز) در دو جلد تنظیم شده بود که در چاپ دوم (بنا به گفته مترجم در پیشگفتار چاپ دوم) برخی اصلاحات حروف نگاری صورت گرفته است و احتمالاً در چاپ پنجم، تنها تغییر، تبدیل شدن از دو جلد به یک جلد بوده است.

بررسی محتوایی

در مورد هر مکتب و صاحبان نظریه، اصطلاحات تخصصی مورد استفاده آنها توضیح داده شده است، لیکن در چارچوب دیدگاه نظری و رویکرد خاص نویسنده به مباحث جامعه‌شناختی (از منظر بینش عرفانی و گرایش به طرز فکر وحدت وجودگرای متصوفه). معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی اثر عموماً مناسب است. در مواردی از معادل‌های رایج و گاهی از معادل‌هایی کمتر مانوس استفاده شده است. نمونه‌هایی از معادل‌سازی‌ها:

کنش نانمادی (non-symbolic action)، صفحه ۳۴؛ آزمایش عینی (Empirical testing)، صفحه ۳۵۵؛ «تمام» در مقابل «full» که در این جا معادل «تمامیت» رساتر است و اصطلاح «میان جدلی» که معادل داده نشده است، صفحه ۳۵۶؛ واقعیت‌گرایی و پرهیز (prohibition)، ساخت (Construct) که بر ساخت یا سازه معمول‌تر است؛ دست دوم (second

درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی ۱۲۱

(order) که مرتبه دوم مناسب‌تر است، صفحه ۴۵۲؛ ماهیت اعیان (Nature of objects)؛ صفحه ۴۵۳، انسان: موجودی کنشگر (The human being as an acting Organism)، صفحه ۶۴۲؛ جامعه‌شناسی علوی (Alavi sociology)، نمونه‌ای از معادل‌گذاری هستند که جنبه تصنعی پیدا کرده است، صفحه ۴۹۹؛ واکنش‌های گردگشتی (circular reaction)، صفحه ۵۴۳؛ تجربه‌گرایی تند (hyper empiricist)؛ صفحه ۵۵۰، دیالکتیک تکمیلی یا جدل اکیمال متقابل (complimentary Dialectic)، صفحه ۵۵۴؛ جدل تضمن متبادل یا هم‌فراخوانی (Mutual Implication)، صفحه ۵۵۵؛ آمبیوالانس (Ambivalence)، صفحه ۵۵۶؛ تقابل مناظر (Reciprocity of perspective).

برای تفهیم موضوع، از ابزارهایی مانند: طرح بحث مقدماتی، نتیجه‌گیری، مقایسه، ذکر مثال، چند مورد نمودار و جداول و آوردن ضمائم که بتواند به توضیح بیشتر مطالب بینجامد در کتاب دیده می‌شود. نگاه کنید به صفحات: ۶۵۷، ۶۲۵، ۴۲۸، ۳۶۸ و ۳۶۹.

از بیشتر نظریه‌پردازان و مکاتب مهم بحثی به میان آمده است. اما، اولاً، در چارچوب جهت‌گیری خاص نویسنده و ثانیاً، بدون توجه به قالب‌بندی‌های معمول کتاب‌های نظریه‌های جامعه‌شناسی و ثالثاً، بدون ذکر همه مفاهیم، مدل‌ها، نظریه‌ها و آثار مهمی که معمولاً باید آنها را در یک کتاب جامع نظریه‌های جامعه‌شناسی مطرح کرد. میزان انطباق محتوای اثر با عنوان کتاب با توجه به کلمه «درآمدی» مناسب به نظر می‌رسد. در خصوص رابطه محتوا با فهرست این انطباق کامل‌تر است.

مطالب اثر از حیث عنوان و موضوع، و نه لزوماً محتوا و جهت‌گیری، منطبق با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی است.

برای دوره کارشناسی به عنوان منبع اصلی و اختصاصی، پرحجم تا حدی ناقص و جهت‌دار است. اما، به‌طور کل می‌توان در دوره کارشناسی و به ویژه کارشناسی‌ارشد به عنوان منبع تکمیلی و با رویکردی انتقادی استفاده کرد.

نویسنده کوشیده است تا با استفاده از اندیشه و تفکر خود و همچنین برخی منابع دیگر، روایتی سازگار با رویکرد خود از متفکرانی که در این کتاب آمده است، ارائه دهد. در کل، مطالب کتاب نه کهنه و نه نو هستند.

رویکرد خاص نویسنده که نوعی بینش انسان‌گرایی و منطبق با رویکردهای متصوفه درباره وحدت وجودگرایی را زیربنای کار خود قرار می‌دهد؛ بازیابی و تشریح مفاهیم و اصطلاحات متفکران گذشته که نزد جامعه‌شناسان مدرن دیده می‌شود و ساختن ظاهراً رویکردی تازه با عنوان جامعه‌شناسی علوی و پرداختن به اندیشه فروم و برخی توضیحات مربوط به بلومر جزء نوآوری‌های کتاب محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد، استفاده از منابع موجود برای تبیین موضوعات مورد بحث نسبتاً کافی است.

در موارد زیادی از منابعی بدون ذکر مأخذ آنها استفاده شده است. مثلاً، آیه‌ها و احادیثی که در صفحه‌های ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۷ و ... آمده است و مطالب صفحه‌های ۳۵۵، ۳۵۷، ۵۵۰ - ۵۵۸، ۶۴۹، ۶۵۰.

دقت در استنادات و ارجاعات اثر در حد ضعیف است.

با اینکه نویسنده کتاب، همواره مدافع نوعی رویکرد طبیعت‌گرایی و تفسیرگرایی جدلی و تأکید بر تضاد و تناقض‌های اجتماعی است، اما مدعی و طرفدار بینش‌های عرفانی «وحدت وجودگرا» و «جهت‌گیری الهی یا مذهبی» است.

نویسنده کوشیده است نوعی رویکرد همسو با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی را ارائه دهد. البته برداشت او در مورد انسان به عنوان موجودی شرور و یا به طور کل بینش نویسنده راجع به اسلام عمدتاً رنگ و بوی عرفانی و متأثر از بینش اهل تصوف را دارد که این امر را نویسنده پنهان نمی‌کند. ابعاد سازنده یا مخرب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ندارد.

پیشنهادها

در تجدید چاپ کتاب باید به نکات زیر توجه شود:

- افزودن نمایه اعلام و موضوعی

درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی ۱۲۳

- اضافه نمودن برخی از عناوین در سرفصل شورای عالی برنامه‌ریزی که در کتاب به آنها پرداخته نشده است و تکمیل مباحث مربوط به آثار متفکرانی که در کتاب آمده است

- تکمیل ارجاعات و استنادات

- ویرایش تخصصی و ادبی

- تنظیم مطالب در دو جلد

- در تطبیق ادبیات، ایده‌ها و متون عرفانی دقت نظری و روش‌شناسی

بیشتری صورت گیرد

- نتیجه‌گیری‌ها و تحلیل‌ها مستدل و محکم باشد، نه به شکل فعلی که بیشتر جنبه شعاری و تبلیغی ضعیف دارد و در باطن آن نوعی غربگرایی و غرب‌ستایی یا دست کم برجسته‌سازی و تقدیس برخی از متفکران غربی دیده می‌شود، آن هم به شیوه‌ای بیش از حد معمول و نایده گرفتن تفاوت‌های متنی، تمدنی و ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته ځای علوم انسانی و مطالعات فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی